

Investigating Characteristics of Interlinear Translation of the Qur'an: Four Translations from the 4th to the mid-6th Century AH

Soudabeh Ghandehari

**Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran**

Mohammad Javad Mahdavi¹

**Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran**

Ali Khazae Farid

Department of English, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohammad Jafar Yahaghi

**Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran**

Received: 21 April 2019

Accepted: 15 October 2020

Abstract

Interlinear translation has been a popular method of translating religious texts, including the Bible and the Qur'an. Since religious books are considered to be sacred, translators mostly translate them word by word and they provide readers with the exact original word under the translated text. However, early translations of the Qur'an were not completely word by word and contained numerous language initiatives. The aim of this study is to examine these initiatives. This descriptive-analytic study compares four ancient interlinear translations of the Qur'an dating back to the 4th and the mid-6th Century AH. The translations include the famous commentary on the Qur'an by Al-Tabar, Tafsīr Abū al-Futūḥ in verses, Qods translation of the Qur'an and Rey translation. The translations are analyzed in terms of lexical items and syntax. The findings suggest that the translators were loyal to the syntax and lexical items of the Qur'an albeit in varying degrees. In other words, although all the translations turned out to be word by word, they contained some specific features which made them valuable texts. For example, Tafsir al-Tabari and Qods translation contained many Persian equivalents or Qods translation included a Sistani dialect. In addition, the Rey translation and Tafsīr Abū al-Futūḥ were under the influence of the original language, especially when it comes to lexical items. Indeed, these two translations followed the syntactic conventions and standards of Persian.

Keywords: Interlinear Translation, Qur'an, Tafsir al-Tabari, Tafsīr Abū al- Futūḥ, Qods translation, Rey translation.

1. Corresponding Author. Email: mahdavy@um.ac.ir

بررسی ویژگی‌های شیوه ترجمه بین خطی قرآن

(مورد پژوهی چهار ترجمه متعلق به قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری)

سودابه قندهاری (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

محمدجواد مهدوی* (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

علی خزاعی فرید (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

محمدجعفر یاحقی (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

چکیده

یکی از شیوه‌هایی که در گذشته در ترجمه متون وحیانی از جمله انجیل و قرآن مجید به کار می‌رفت، شیوه ترجمه بین خطی بود. در این شیوه، مترجمان به دلیل حرمتی که برای متن اصلی قائل بودند به ترجمه حیثیت متنی مستقل نمی‌دادند و به شکل لفظ به لفظ ترجمه می‌کردند و ترجمه خود را بین خطوط می‌آوردند. باین حال ترجمه‌های اولیه قرآن کاملاً تحت‌اللفظی نیست و از ابتکاراتی زبانی برخوردار است که بررسی آنها موضوع این مقاله است. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی مقایسه‌ای و زبان‌شناختی چهار ترجمه بین خطی کهن قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری پرداخته‌ایم. این چهار متن عبارت‌اند از: ترجمه رسمی معروف به ترجمه تفسیر طبری و ترجمه تفسیر ابوالفتح رازی در بخش آیات، ترجمه قرآن قدس و ترجمه قرآن ری. موارد انتخاب‌شده در دو حوزه کلی «واژگان» و «نحو» مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که مترجمان به درجات متفاوت به صورت‌های واژگانی و نحوی متن اصلی وفادار بوده‌اند. به عبارت دیگر، علی‌رغم اینکه ترجمه‌ها در مجموع تحت‌اللفظی هستند، مجموعه‌ای از ویژگی‌های شاخص واژگانی و نحوی دارند که آنها را به متون ارزشمندی تبدیل کرده است. کاربرد

* نویسنده مسئول mahdavy@um.ac.ir

معادل‌های اصیل فارسی در ترجمه تفسیر طبری و در ترجمه قرآن قدس و نیز وجود برابرنهاده‌ای محلی، عمدتاً گویش سیستانی، در ترجمه قرآن قدس از جمله این ویژگی‌هاست. در ترجمه تفسیر ابوالفتوح رازی و ترجمه قرآن ری تأثیرپذیری مترجمان از زبان مبدأ در حوزه واژگانی و به‌خصوص در ترجمه واژگان دخیل بیشتر مشهود است. در حوزه نحوی نیز ترجمه‌های تفسیر ابوالفتوح رازی و قرآن ری همخوانی بیشتری با اقتضانات نحوی زبان فارسی نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه بین خطی، قرآن، ترجمه رسمی (طبری)، ترجمه تفسیر ابوالفتوح رازی، ترجمه قرآن قدس، ترجمه قرآن ری

۱. مقدمه

ترجمه متون مقدس و در رأس آن قرآن از جمله ضروریات تبلیغی در هر دین محسوب می‌شود و با توجه به رسالت قرآن که سنگ زیرین تفکر و ارجمندترین مستند شناخت و معرفت در همه زمان‌ها و مکان‌هاست این ضرورت به مراتب افزون‌تر می‌گردد. چنانکه دانشوران و مترجمان بسیاری در طول تاریخ اسلام اقدام به ترجمه قرآن کرده‌اند و به‌مرورزمان «دانش ترجمه قرآن با بررسی شیوه‌های ترجمه متون مقدس و بیان نقاط قوت و ضعف آنها بالنده‌تر و پویاتر شده است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص. ۳۳).

در میان روش‌های ترجمه متون مقدس روش ترجمه واژه به واژه یا تحت‌اللفظی، موضوع بحث ما در این مقاله است. در این روش تقید و پایبندی به متن مبدأ دغدغه اصلی مترجم است؛ چراکه او نهایت تلاش خود را می‌کند تا همه واژگان و حتی حروف همان‌گونه که در زبان مبدأ آمده است دقیقاً به زبان مقصد برگردانده شود و چیزی در ترجمه کم یا زیاد نشود.

در این مقاله برآنیم ضمن بیان ویژگی‌های شیوه «ترجمه بین خطی»^۱ در متون مقدس با محوریت قرآن به بررسی مقایسه‌ای و زبان‌شناختی چهار ترجمه بین خطی قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری بپردازیم. ترجمه رسمی

1. interlinear translation

معروف به ترجمه تفسیر طبری و ترجمه تفسیر ابوالفتح رازی در بخش آیات، ترجمه قرآن قدس و ترجمه قرآن ری بر اساس نسخه‌های محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی در این تحقیق مدنظر بوده است.

هدف اصلی این پژوهش پاسخ به دو سؤال اساسی است:

۱. ویژگی‌های واژگانی ترجمه‌های بین خطی قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری کدام است؟
۲. ویژگی‌های نحوی ترجمه‌های بین خطی قرآن در بازه زمانی فوق کدام است؟

این جستار با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای ضمن آنکه به بیان ویژگی‌های شیوه ترجمه بین خطی در متون و حیانی به‌طور عام می‌پردازد، ویژگی‌های این شیوه را به‌طور خاص با واکاوی مقایسه‌ای و زبان‌شناختی در چهار ترجمه بین خطی قرآن در بازه زمانی یادشده حول دو مقوله اساسی «واژگان» و «نحو» بیان می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

ترجمه متون و حیانی از جمله قرآن، حساسیت ویژه‌ای دارد و نیازمند دانش‌های زبان‌شناختی و مرتبط با امر ترجمه است. در این زمینه پژوهش‌هایی صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مجموعه پنج‌جلدی فرهنگنامه قرآنی (۱۳۷۷) با نظارت و سرپرستی یاحقی، فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی است. هدف از تهیه و تنظیم این فرهنگنامه، گردآوری و دسته‌بندی معانی پارسی و واژه‌ها و ترکیباتی بوده است که قرآن‌های خطی و کهن کتابخانه آستان قدس رضوی از گذشته‌های دور در سینه خویش محفوظ نگه داشته و تا آن روز از دسترس پژوهندگان علوم قرآنی و مشتاقان زبان و ادب فارسی و فرهنگ‌نویسان و فرهنگ‌های موجود به دور بوده است.

کتاب *ساخت‌های زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن* (۱۳۸۹) از کریمی‌نیا، شامل ۱۶ مقاله و گفتگو است که در باب ترجمه قرآن و وجوه مختلف ادبی آن نوشته شده است. ترجمه قرآن و به‌ویژه دقت در ظرایف ساختارهای نحوی قرآن و مقایسه آن با الگوهای زبان فارسی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های نویسنده بوده است.

مقاله «روش‌ها و سبک‌های ترجمه قرآن» از رضایی اصفهانی (۱۳۸۳) تحقیقی است که در آن نویسنده ضمن برشمردن و توضیح روش‌های ترجمه قرآن، به مهم‌ترین سبک‌های ترجمه قرآن بر اساس هدف مترجم، مخاطبان، زبان ترجمه، وجود اضافات و نبود آنها، اعتبار ترجمه و مترجم و ترجمه‌های هنری اشاره کرده و در ادامه نقاط قوت و ضعف هر یک از روش‌ها را بیان کرده است.

مقاله «تعادل واژگانی در ترجمه متون دینی: چالش‌ها و راهکارها» از انوشیروانی (۱۳۸۴) تحقیقی است درباره مباحث نظری ترجمه، مشتمل بر تعریف ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی کاربردی، تعادل ترجمه‌ای و تعادل واژگانی با توجه به متون دینی که از بار ارزشی و فرهنگی خاصی برخوردارند و درنهایت ارائه راهبردهای پیشنهادی ترجمه پژوهان برجسته در زمینه تعادل واژگانی.

منافی اناری در مقاله «ناممکن بودن تعادل کامل در ترجمه کلام الله»، (۱۳۸۲) ضمن برشمردن عامل زبان‌شناختی و کلامی و بررسی انواع مختلف تعادل به این نتیجه می‌رسد که رسیدن به تعادل کامل در ترجمه قرآن مجید ناممکن است هرچند که ترجمه، خیلی هم دقیق باشد. همچنین در مقاله «کاربردشناسی اصل تعادل ترجمه‌ای واژگان در فرآیند ترجمه قرآن» (۱۳۹۰) امانی و همکاران به بررسی و نقد برخی ترجمه‌های فارسی واژگان قرآن از منظر لایه‌های مختلف معنایی پرداخته‌اند.

ابوبکرعلی و همکارانش (۲۰۱۲) به بررسی پاره‌ای از مشکلات زبان‌شناختی در ترجمه قرآن مجید پرداخته‌اند. نویسندگان در این مقاله کوشیده‌اند برخی از مشکلات معنایی، نحوی و لغوی را در ترجمه آیات قرآن از عربی به انگلیسی بیان کنند.

قلی‌زاده (۱۳۷۸) به موضوعاتی چون مشکلات ساختاری ترجمه، واحد ترجمه، ابهام ساختاری در ترجمه قرآن، بررسی عناصر ساختاری زبان فارسی و ترتیب آنها

در ترجمه قرآن کریم و بررسی انسجام متنی یا بافتی و همنشینی، حذف و اضافه در فرآیند ترجمه قرآن پرداخته است.

همچنین نصرالدین اف^۱ (۲۰۱۲) به مطالعه نظری و تحلیلی تاریخ ترجمه و تفسیر فارسی-تاجیکی قرآن در بازه زمانی فوق پرداخته است. او در این تحقیق با اتکا به روش‌های تاریخی-تطبیقی حدود ۲۵ ترجمه از قرآن را در قرون ۱۰ - ۱۲ میلادی (۴ - ۶ هجری) بر شمرده که از منابع مهم و ارزشمند نشر فارسی و تاجیکی در قرون وسطی به شمار می‌روند و در میان این ترجمه‌ها چهار ترجمه مورد بررسی در مقاله ما نیز به چشم می‌خورد.

در آثار پژوهشی فوق درمی‌یابیم هرچند در برخی از آنها به زبان ترجمه و روش‌های ترجمه قرآن و تعریف تعادل ترجمه‌ای اشاره شده است، لیکن در زمینه بررسی ویژگی‌های شیوه ترجمه بین خطی، به‌ویژه در ترجمه متون مقدس، با محوریت قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. لذا انجام این تحقیق از این جهت که می‌تواند تلقی گذشتگان را از ترجمه نشان دهد و در تدوین تاریخ ترجمه نقش داشته باشد ضرورت داشته و حائز اهمیت است؛ اما پیش از ورود به بحث لازم است پیشینه‌ای از ترجمه متون مقدس ارائه شود تا راه برای ادامه بحث هموارتر گردد.

ادیان آسمانی در برخورد با موضوع ترجمه رویکردهای متفاوتی داشتند. از دیدگاه یهودیان برای ترجمه نوشته‌های مقدس ممانعتی وجود نداشت، لذا تورات عبری به آرامی، سپس به یونانی و سایر زبان‌ها برگردانده شد. مسیحیان نیز ترجمه انجیل را نه تنها جایز بلکه واجب شمردند به گونه‌ای که برخی ترجمه‌ها از دیدگاه آنان حتی جنبه تقدس دارد؛ اما مسلمانان موضع متفاوتی داشتند به گونه‌ای که «ترجمه قرآن در آغاز نه تنها تشویق نمی‌شود، بلکه قدغن هم شده است. قرآن کتاب آسمانی، غیرقابل تقلید و جاودانی است و ترجمه آن، عملی گستاخانه و بی‌ادبی به مقدسات محسوب می‌شود؛ اما از آنجاکه بسیاری از مسلمانان امروزی غیر عرب‌زبان هستند و

۱. اصل این رساله به زبان روسی است و در کتاب‌نامه ذکر شده است.

کلام الهی باید به نحوی به آنها منتقل گردد، لذا ترجمه‌هایی از قرآن صورت پذیرفته است». (لوئیس^۱، ۱۳۸۲، ص. ۳۹)

یکی از مهم‌ترین موضوعات چالش‌برانگیز برای مترجم متون مقدس از جمله قرآن کریم، معادل‌یابی برای انتقال معانی و مفاهیمی است که با تاریخ و فرهنگ ارتباط ناگسستگی دارد. در این خصوص ترجمه‌های متقدمان که تحت‌اللفظی‌اند از دقت بیشتری برخوردار است. شاید علت این تحت‌اللفظی بودن «از یک سو اهمیّت دادن مترجمان به جنبه قدسی قرآن و امانت‌داری و مراقبت شدید آنان در امر ترجمه باشد که به شکل ترجمه کلمه به کلمه ظهور می‌یابد و از سوی دیگر، نبودن رشد و پیشرفت آشکار در صنعت ترجمه در سال‌های آغازین ترجمه قرآن باشد» (خرمشاهی، ۱۳۷۲، صص. ۷۰۵-۷۰۶).

در این میان ترجمه‌های کهن قرآن به زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی، تاریخ زبان فارسی و فرهنگ‌نگاری در مقایسه با دیگر متون کهن فارسی، از بار ارزشی و فرهنگی خاصی برخوردارند و گنجینه‌ای گران‌بها از واژگان اصیل و کهن فارسی و عامل حفظ و تداوم آن به حساب می‌آیند؛ اما به دلیل وجود تفاوت‌های واژگانی و نحوی میان دو زبان مبدأ و مقصد طبیعتاً ترجمه قرآن از عربی به دیگر زبان‌ها از جمله زبان فارسی با مشکلات زبان‌شناختی همراه خواهد بود که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهیم کرد.

به دلیل اهمیّت ویژگی‌های زبانی و مشخصات رسم‌الخطی هر یک از نسخه‌های خطی مبنای ترجمه بر اساس آن صورت گرفته است، توضیح مختصری به همراه تصویر برخی از صفحات هر یک از چهار ترجمه ارائه می‌کنیم:

ترجمه تفسیر طبری به تصحیح حبیب یغمایی بی‌هیچ تغییر و تحریف، متن فارسی همان نسخه کتابخانه سلطنتی است که با نهایت اهتمام و احتیاط نسخه‌برداری شده است. این نسخه در هفت مجلد است و با این‌که جلد چهارم آن مفقود شده، قدیم‌ترین و کامل‌ترین نسخه‌ای است که از ترجمه و تفسیر طبری به فارسی در دنیا

1. Luis

موجود است. تمام این دوره از تفسیر به خط یک نفر است. متن قرآن به قلم جلی و درشت به خط نسخ خوب و ترجمه آیات میان سطرها به قلم دودانگ به طور اریب نوشته شده است.



تصویر ۲. صفحه آخر متن قرآن مجید از ترجمه

تفسیر طبری،

نسخه کتابخانه سلطنتی



تصویر ۱. صفحه هفتم از مجلد اول ترجمه

تفسیر طبری،

نسخه کتابخانه سلطنتی

روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن مشهور به تفسیر ابوالفتوح رازی در نخستین دهه‌های سده ششم بر مشرب فقه جعفری در ری با همت نخستین مفسر پارسی‌نویس شیعی مشهور به ابوالفتوح رازی نوشته شده است. یکی از کامل‌ترین و برجسته‌ترین تصحیح‌هایی که از این تفسیر صورت پذیرفته به کوشش محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح بوده است.

دست‌نویس‌هایی که اساس این تصحیح قرار گرفته است در مجلدات ۲۰ و ۹ تا ۱۷ به‌یقین و در جلد‌های ۱ تا ۴ به‌احتمال قریب به‌یقین (چون نسخه فاقد تاریخ است) از نسخه‌های سده ششم و در جلد‌های ۷ و ۸ بر اساس نسخه‌ای است که از روی نسخه مورخ ۶۰۶ کتابت شده و تنها در جلد‌های ۵ و ۶ و ۱۸ و ۱۹ است که ناگزیر به نسخه‌های متأخرتر بسنده کرده است. ترجمه آیات در متن نسخه‌های خطی لفظ به لفظ بین‌السطور آمده که به

لحاظ مشکل حروف چینی و برخی ملاحظات دیگر، ترجمه هر آیه بلافاصله پس از متن عربی، البته با حروف نازک روبروی آن آمده است (رازی، ۱۳۷۷، صص. ۶۹-۶۷).



تصویر ۴. پایان جلد بیستم، نسخه شماره ۱۳۳۲، کتابخانه آستان قدس، با رمز آج.



تصویر ۳. پایان جلد بیستم نسخه اساس، به شماره ۱۳۳۸، مورخ ۵۵۷.

قرآن ری، قرآنی است کامل با ۴۴۹ صفحه متن و ۷ صفحه ضمائم و یادداشت‌های تاریخی مفید در مقدمه که علاوه بر قدمت از ترجمه‌ای بسیار استوار و دقیق برخوردار است و علاوه بر لغات پارسی خوب، برخی نشانه‌های لهجه مترجم (لهجه رازی) را نیز دربردارد. ترجمه قرآن ری نسخه مورخ ۵۵۶ هجری به کوشش محمدجعفر یاحقی تصحیح شده است.

متن عربی به خط کوفی متحول و مشکول و نزدیک به نسخ و ترجمه فارسی به خط نسخ خام تحریری ذیل سطور عربی است. این قرآن به شماره ۶۶۱ (مسلسل) و ۳۰۴ (خصوصی) جزو نفائس کتابخانه آستان قدس

رضوی ثبت است. تاریخ کتابت و نام کاتب به همان قلم متن در صفحه آخر و به دنبال سوره «ناس» نوشته شده و کاتب، خطبه پایانی را هم به مانند متن قرآن ترجمه کرده است. مهم‌ترین ضمیمه‌ای که با همان خصوصیت قلم کاتب به چشم می‌خورد اسماء باری تعالی است که در آغاز کتاب به خط کوفی متحول نگارش یافته (خطیب، ۱۳۶۳، صص. ۸-۴).



تصویر ۶. صفحه آخر ترجمه قرآن ری



تصویر ۵. صفحه اول ترجمه قرآن ری

قرآن مترجم قدس به شماره ۵۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. «این نسخه در ۲۰۵ ورق کاغذ حنایی مهره کشیده به قطع ۳۹×۳۰ سانتی‌متر موجود است. متن قرآن به خط کوفی اواخر دوره تحول و ترجمه زیرنویس به خط نسخ است. آغاز و انجام این نسخه در دست نیست. سوره فاتحه و ۲۱۳ آیه از سوره بقره را از آغاز ندارد و حدود ۲۱ سوره کوچک را از انجام. همین افتادگی آغاز و انجام سبب شده است که تاریخ و زمان ترجمه و نوشتن آن بر ما پوشیده بماند. هیچ‌گونه یادداشت و رقم و وقف‌نامه‌ای که دال بر تاریخی باشد در آن نیست» (ترجمه قرآن قدس، ۱۳۶۴، صص. ۲۴-۲۲).

شباهت‌های زبانی این ترجمه با فارسی میانه از هر متن فارسی دیگر بیشتر است. این ترجمه ارزشمند به کوشش علی رواقی تصحیح شده است.



تصویر ۷. ترجمه قرآن قدس صفحات ۱۹۲ و ۱۹۳

ناگفته نماند که عمده‌ترین دلیل این انتخاب‌ها وجود ترجمه بین خطی در نسخه خطی هریک از آنها بوده است. لذا ترجمه‌هایی که مزجی بوده و یا در لابه‌لای تفسیرها وجود داشته‌اند و به صورت بین خطی نبوده‌اند از حوزه کار ما خارج شدند. در این تحقیق به جای ذکر کامل نام ترجمه‌ها از حروف زیر به اختصار استفاده می‌شود:

ط: ترجمه رسمی (طبری)؛ اب: ترجمه تفسیر ابوالفتح رازی؛ ر: ترجمه قرآن ری؛ ق: ترجمه قرآن قدس.

انتخاب آیات در این مقاله با توجه به وجود محدودیت‌ها، موردی بوده است. هرچند در رساله‌ای که مقاله از آن استخراج شده گزینش آیات به شیوه موضوعی بوده و بررسی‌های آماری حول چهار محور قصص، احکام، توحید و معاد از دو گروه آیات مدنی و مکی انجام شده است.

۳. ترجمه بین خطی

ترجمه بین خطی، معمولاً، همان ترجمه تحت‌اللفظی است که در ترجمه متون وحیانی از جمله *انجیل و قرآن مجید* کاربرد دارد. در این شیوه ترجمه، به دلیل حرمت، اصالت و شأنی که برای متن اصلی قائل‌اند به ترجمه حیثیت متنی مستقل داده نمی‌شود. ترجمه، روان و سلیس نیست و با اندازه‌ای ریزتر بین خطوط نوشته می‌شود. مترجم به صورت الفاظ متن اصلی پایبند است و با رویکرد ترجمه لفظ به لفظ می‌کوشد به جای هر واژه از زبان مبدأ، واژه معادلی از زبان مقصد قرار دهد. چنین واژگان نیز معمولاً تحت تأثیر ساختار نحوی زبان مبدأ قرار می‌گیرد.

پایبندی به متن اصلی ممکن است منجر به ترجمه‌ای شود که در آن مترجم فقط تغییراتی را که واقعاً اجباری بوده اعمال کرده و ویژگی‌های زبانی زبان مبدأ را تا حد امکان حفظ کرده است. هرچند برخی از این ویژگی‌ها ممکن است با ویژگی‌های زبانی زبان مقصد ناسازگار باشد. در این روش به تعبیر توری^۱ (۱۹۸۰) ترجمه به زبان مقصد صورت نمی‌گیرد، بلکه به زبانی واسط صورت می‌گیرد که وجود خارجی ندارد، ولی بخشی از ویژگی‌های هر یک از دو زبان مبدأ و مقصد را دارا می‌باشد. به عقیده توری، تحمیل چنین زبانی بر زبان مقصد اگرچه به زبان مقصد آسیب می‌رساند اما خالی از فایده نیست. فایده آن انتقال نوآوری‌های زبانی به زبان مقصد و پربارتر کردن آن است. (خزاعی فر، ۱۳۸۳، ص. ۶)

نمونه‌هایی از ترجمه بین خطی در متون مقدس برای درک بهتر موضوع ارائه می‌شود.

1. Touri

Ἐν ἀρχῇ ὁ λόγος, καὶ ὁ λόγος
 in beginning was the Word, and the Word
 ἦν πρὸς τὸν θεόν, καὶ θεὸς ἦν ὁ λόγος
 was toward the God, and god was the word.

تصویر ۹. نمونه‌ای از ترجمه بین خطی

انجیل از یونانی به انگلیسی

زیر نظر کارگروه ترجمه بین خطی

دانشگاه نبراسکا

Greek, Hebrew, Strongs



تصویر ۸. نمونه‌ای از ترجمه بین خطی یونانی-عبری انجیل

برگرفته از سایت: biblehub.com/interlinear



تصویر ۱۰. نمونه‌ای از ترجمه بین خطی قرآن به فارسی (ترجمه تفسیر طبری)

۴. یافته‌های پژوهش

ترجمه قرآن مجید از عربی به زبان‌های غیر هم خانواده آن از جمله زبان فارسی طبیعتاً با مشکلات زبان‌شناختی متعددی در سطوح مختلف معنایی، واژگانی و نحوی همراه است. مترجم آگاه سعی می‌کند با وجود تفاوت‌های واژگانی و نحوی دو زبان، مفهوم را از آیه قرآن دریافت و آن را در قالب زبان فارسی بیان کند. در این پژوهش موارد قابل بحث در چهار ترجمه بین خطی کهن قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری حول دو مقوله اساسی «واژگان» و «نحو» با روش نمونه‌برداری به صورت مقایسه‌ای و بر مبنای متن اصلی ارزیابی می‌شود.

۴-۱- مقولات اساسی در معادل‌یابی واژگانی

مترجمان در امر واژه‌گزینی در فرایند درک معنای واژگان مبدأ و انتقال آن به قالب واژگان مقصد، به شکل‌های مختلف عمل می‌کنند:

۴-۱-۱- آوردن واژه معادل برای واژه‌های چندمعنایی^۱

رابطه چندمعنایی یکی از مهم‌ترین روابط مفهومی در سطح واژه‌های زبان است. تعدد و تکثر معانی یکی از ویژگی‌های زبان‌شناختی قرآن است و به صورت پدیده‌ای بیان می‌شود که در آن «کلمه‌ای چندین معنی مختلف دارد که با یکدیگر مرتبط هستند و مترجم هنگام رساندن معنای مورد نظر این نوع کلمات با مشکل مواجه می‌شود» (ابوبکر علی، ۲۱۲، ص. ۵۸۹).

حال در چهار ترجمه مذکور به نمونه‌هایی در این مورد اشاره می‌کنیم:

برای نمونه واژه «تَرَكَّ» در دو آیه از قرآن معانی متفاوتی دارد:

❖ در آیه «أَنَّى تَرَكَتْ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ هُمْ بِالآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (یوسف:

۳۷) به معنای «تَرَكَّ کردن» و «رها کردن» است:

ط: که من بگذاشتم دین گروهی که نه می‌گروند بخدای عزوجلّ...؛

اب: من رها کردم دین گروهی که ایمان ندارند به خدای...؛

1. polysemy

ر: که من بگذاشتم ملت گروهی که نیارند ایمان به خدای تعالی...؟

ق: من بهیشتم دین قومی کنمی گرویند به خدای

در ترجمه‌های «ط» و «ر» معادل واژه «تُرک»، «بگذاشتن» آمده که به معنی «دست برداشتن» است. با بررسی گونه «فرارودی» زبان فارسی، کاربرد این معادل‌ها حتی تا قرن‌های پس از بازه زمانی مورد نظر به چشم می‌خورد. در فرهنگ زبان تاجیکی^۱ برای واژه «تُرک» این معانی ذکر شده است: «دست کشیدن»، «پَر تافتن»، «گذاشتن» (شکوآف و همکاران^۲، ۱۹۶۹، ص. ۳۳۰) و در ذیل مدخل، شواهدی آمده که بیانگر رواج و استعمال این معانی حتی تا قرن‌های هفتم و هشتم هجری نیز می‌باشد از آن جمله: مهتری در قبول فرمان است/ ترک فرمان دلیل حرمان است (سعدی شیرازی، ۱۳۶۸، ص. ۱۱۸).

در فرهنگ تفسیری زبان تاجیکی^۳ نیز «دست کشیدن»، «گذشتن از بهر چیزی»، «رها کردن» معادل‌هایی برای واژه «تُرک» ذکر شده است (نظراف و همکاران^۴، ۲۰۰۸، ص. ۳۱۴). چنانکه ملاحظه می‌شود مترجمان تفسیر طبری که از حوزه جغرافیایی ماوراءالنهر برخاسته بودند در ترجمه خود از معادلی استفاده کرده‌اند که نه تنها در بازه زمانی مورد نظر رایج بوده، بلکه حتی در قرن بعد نیز کاربرد داشته است و بدیهی است قابلیت ارتباطی که معیار علمی و معمول در امر واژه‌گزینی است در ترجمه آنها نمود یافته است. تأثیرپذیری مترجمان «اب» و «ر» نیز از ترجمه تفسیر طبری مشهود بوده و دور از انتظار نیست. در ترجمه «ق» معادل معنایی «بهیشتن» به معنای «دست برداشتن» و یا «بگذاشتن» به‌عنوان یک معادل فارسی اصیل برای «تُرک» به کار رفته است. در این ترجمه که مربوط به گونه جنوبی زبان فارسی یعنی گویش سیستانی

۱. این فرهنگ به الفبای سیریلیک تاجیکی در دو جلد و زیر نظر محمد جان شکوراف و همکاران تهیه و تنظیم شده است.

2. Шакуров ва дигарон

۳. این فرهنگ نیز در دو جلد و به خط سیریلیک تاجیکی با نظارت سیف الدین نظرزاده و همکاران تهیه و تنظیم شده است.

4. Назарзода ва дигарон

است با فرایند «کشش واکه‌ای»^۱ که از ویژگی‌های بارز این گویش است مواجه هستیم. «کشش واکه‌ای و حفظ آن از فارسی میانه، به‌عنوان یک ویژگی واجی ممیز معنا، ویژگی آوایی گویش سیستانی است که جایگزینی [e] با [e:] یکی از نموده‌های آن است» (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۴). در این گویش واکه [e:] دوره میانه^۲ که در فارسی معیار افزایش یافته است و [i:] تلفظ می‌شود به همان صورت فارسی میانه [e:] تلفظ می‌شود (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۳).

❖ واژه «تَرَک» در آیه ۲۶۴ سوره بقره معادل «تبدیل کردن» است و ضمیر «ها» مفعول به اول و «صلداً» مفعول به دوم آن می‌باشد (دعاس، ۱۴۲۵ ق، ص. ۱۱۳؛ درویش، ۱۴۱۵ ق، ص. ۴۰۹). «... كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا...» (بقره: ۲۶۴).

ط: ... داستان او چون داستان سنگی است بر آن خاکی، برسد آنرا باران دست
بدارد آنرا هموار...؛

اب: ... مَثَلُش چون مثل سنگی نرم است که بر او خاکی باشد برسد به او بارانی
سخت رها کند او را ساده...؛

ر: ... مَثَلُ او چون سنگی بود نسوی که ور او خاکی بود، برسد او را بارانی سخت
دست بدارد او را پاکیزه ز خاک...؛

ق: ... مَثَلُ او چون مثل سنگی ورن خاکی، رسید بدان بارانی سخت، بهیشت آن
را روده... .

در ترجمه‌های فوق مترجمان «ط» و «ر» از معادل «دست برداشتن»، مترجم «اب»
از معادل «رها کردن» و مترجم «ق» از معادل «بهیشتن» به معنای «بگذاشتن» استفاده

۱. در راستای تحولات واکه‌ای، یکی از آوا گروه‌های فارسی باستان، «ai» بوده که معادل آن در زبان اوستایی «ae» است. معمول‌ترین تحول این آوا گروه آنست که در دوره میانه به مصوت (واکه) کشیده «ē» [e:] و در دوره جدید به مصوت (واکه) کشیده «ī» [i:] بدل می‌شود. (باقری، ۱۳۸۰، ص. ۴۴).

۲. مکنزی، ۱۹۷۱، صص. ۱۶ و ۱۸ و ۷۹.

کرده‌اند که به نظر می‌رسد به آن بخش معنایی واژه «ترک» که در این آیه مدنظر بوده است، بی‌توجه بوده‌اند.

❖ نمونه دیگر واژه «شراء» است که هم به معنی «خریدن» است و هم به معنای «فروختن» (امانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۷). «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ...» (نساء: ۷۴).

«یَشْرُونَ» در این آیه به معنای «فروختن» است نه «خریدن»؛ چراکه روی سخن آیه با مؤمنان است و مؤمنان زندگی دنیوی را به آخرت می‌فروشند (طبرسی، ۱۳۷۹ ق.، ج ۵، ص. ۲۳۶). حال به معنای آن در چهار ترجمه مذکور می‌پردازیم:

ط: کارزار کند اندر راه خدای آنکی بفروشد زندگانی این جهان بآن جهان...؛

اب: بگو تا کارزار کنند در راه خدا آنان که بفروختند زندگانی نزدیکتر به سرای بازپسین...؛

ر: حرب کنند اندر سبیل خدای آن کسانی که بخریدند زندگانی این جهان بدان جهان...؛

ق: کوزازار کنید در ره خدای ایشان می‌فروشند زندگی این گیتی بدان جهن... .

در ترجمه‌های «ط»، «اب» و «ق» مترجمان با توجه به متن و بافت و قرائن موجود به کاربرد معادل مطابق با منظور آیه پی برده‌اند؛ اما مترجم «ر» معادل «خریدن» را به کار برده است. مترجم قرآن ری همچنین در ترجمه واژه «شَرَوْا» در آیه «وَكَيْسَ مَا شَرَوْا بِهٖ اَنْفُسَهُمْ» (بقره: ۱۰۲) معادل «بخریدند» به کار برده است و این در حالی است که در قرآن شماره ۲ و شماره ۱۰ ثبت شده در کتابخانه آستان قدس رضوی^۱ که مربوط به قرن‌های چهارم و پنجم هجری است به ترتیب معادل «بفروختند» و «بفروختستند» (گونه نیشابوری) به کار رفته است؛ از آنجاکه معیار علمی و معقول در واژه‌گزینی، قابلیت ارتباطی است به نظر می‌رسد جستجوی مترجم قرآن ری برای یافتن معادل در زبان مقصد صحیح نبوده و به ترجمه خلل رسانده است.

۱. فرهنگنامه قرآنی، با نظارت محمدجعفر یاحقی. (۱۳۷۷). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ج ۱، صص. ۳۶-۳۴.

۴-۱-۲- استفاده از واژه‌های زبان مبدأ

۴-۱-۲-۱- در هنگام داشتن معادل در فارسی

مقایسه چهار ترجمه نشان می‌دهد که در برخی موارد بعضی مترجمان ترجیح داده‌اند حتی در مواردی که واژه قرآنی در فارسی معادل داشته، همان واژه‌های زبان اصلی را در ترجمه خود به کار ببرند، درحالی‌که بعضی دیگر معادل‌های فارسی را جایگزین کرده‌اند.

به نمونه‌هایی در این باره از چهار ترجمه فوق اشاره می‌کنیم:

❖ «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً...» (فصلت: ۱۱).

ط: باز راست شد سوی آسمان و آن دودی است و گفت آن را و زمین را که: بیایید به خوش‌منشی و یا بدشخواری...؛

اب: پس قصد کرد به آسمان و آن دودی بود. گفت آن را و زمین را که بیایی به طاعت یا به کراهت...؛

ر: پس قصد کرد به آفریدن آسمان و آن بود دودی، گفت آسمان را و زمین را هر دو ان بیایید بطوع یا بکره...؛

ق: و از قصد کرد بی آفریدن آسمان و آن دودی بود، گفت: آنرا و زمین را آییید خوش‌کام یا دژکام... .

مترجمان «اب» و «ر» در ترجمه «طَوْعاً أَوْ كَرْهاً» واژگان دخیل از زبان مبدأ را که رایج‌تر و متداول‌تر است، دارای نیروی ارتباطی بیشتری دانسته‌اند؛ اما در ترجمه‌های «ط» و «ق» معادل‌گزینش شده برای «طَوْعاً أَوْ كَرْهاً» به ترتیب «خوش‌منشی یا دشخواری» و «خوش‌کام یا دژکام» در نظر گرفته شده است. این مترجمان سعی کرده‌اند حتی‌المقدور برای دو واژه قرآنی فوق معادل فارسی اصیل بیاورند.

۱. در قرآن‌های شماره ۲، ۳ و ۱۰ ثبت شده در کتابخانه آستان قدس رضوی که مربوط به قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری است معادل «طَوْعاً» به ترتیب «خوش‌منشی» یا «خوش‌کام»، «فرمان بردار (بخوش منشی)» و «خوش‌منشی» و معادل «کَرْهاً» به ترتیب «ناخوش‌منشی (ناکام و ناخوشی)»، «ناخوشی» و «ستم» ذکر شده است.

❖ همچنین در آیه ۱۲ سوره صافات آمده است: «...بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ» (صافات: ۱۲).

ط: ... بل شگفت داشتی و می فسوس کنند؛

اب: ... بل تو شگفت می داری و ایشان فسوس می دارند؛

ر: ... آری همی شگفت آید ترا و استهزا کنند؛

ق: ... بل شگفت شدی و می اوسوس کنند.

مترجمان «ط»، «اب» و «ق» در ترجمه «يَسْخَرُونَ» معادل فارسی اصیل (فسوس^۱ کردن/ فسوس داشتن) را به کار برده‌اند، اما در ترجمه «ر» مترجم، کاربرد واژه دخیل «استهزاء کردن» را در زبان مقصد برای درک و دریافت مخاطب آسان‌تر و روان‌تر یافته است. به نظر می‌رسد که «این تغییرات در میانه قرن ششم هجری هنوز چندان زیان‌آور نیستند، و هنوز واژه‌های فارسی باقی‌مانده در زبان این مردمان، گنجینه‌ای بس گران‌بهاست حتی اگر ساختار دستوری را در آنها سودمند ندانیم» (آذرنوش، ۱۳۷۵، ص. ۲۲۵).

در ترجمه «ق» معادل افسوس، «اوسوس» به کار رفته است. این واژه در گویش سیستانی به صورت «اوسوز» /avsōz/ به معنی افسوس و دریغ نیز کاربرد داشته است (محمدی خمک، ۱۳۷۹، ص. ۴۹).

۴-۱-۲-۲- در هنگام خلأ واژگانی

مهم‌ترین مشکل واژه‌گزینی در ترجمه هنگامی است که به سبب تفاوت بسترهای فرهنگی دو جامعه زبانی، برخی از واژه‌های زبان مبدأ همتای مستقیمی در زبان مقصد نداشته باشند. «برای نمونه قرآنی این دسته از واژگان معمولاً اصطلاح «ترجمه‌ناپذیر» و یا «معادل صفر» یا «بی معادلی» استفاده می‌شود» (فرح‌زاد، ۱۳۸۳، ص. ۲). بدیهی است «ترجمه این واژگان به زبان مقصد القاکننده کامل معنای کلمه در عربی نیستند و

۱. در فرهنگ فارسی به پهلوی افسوس (ریشخند، استهزاء) به صورت *apasōs*, *apsōs*, *afsōs* ثبت شده و چنانکه ملاحظه می‌کنیم در نتیجه فرایند حذف واج /v/ افسوس به فسوس بدل شده است (فروه‌وشی، ۱۳۵۲، ص. ۲۶). همچنین در فارسی میانه استهزاء به معنی *afsōsgarīh* آمده است (فروه‌وشی، ۱۳۵۲، ص. ۲۲).

نمی‌توانند کاملاً از لحاظ معنایی و دینی، معنای کلمات قرآنی را برسانند» (الیمین^۱، ۲۰۰۹، ص. ۴۰). در چهار ترجمه مورد بررسی به نمونه‌هایی از واژه‌های بی‌معادل اشاره می‌کنیم:

❖ «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا...» (عنکبوت: ۱۲).

ط: و گفتند آنکسها که کافر شدند آنکسها را که بگرویدند که متابعت کنید راههای ما را...؛

اب: و گفتند آنان که کافر شدند آنان را که ایمان آوردند: پسر وی کنی ره ما را...؛

ر: و گفتند آن کسها که کافر شدند مر آن کسها که مؤمنانند متابعت کنید راه ما را...؛

ق: گفتند ایشان که کافر شدند ایشانرا کبگرويستند: پس روی کنيد ره ايما را... .

از جمله واژگان بی‌معادل در قرآن، واژه «کفر» و مشتقات آن است که هیچ‌یک از معادل‌های به کار رفته به جای آنها در بردارنده تمام مؤلفه‌های معنایی واژه‌های مذکور نیستند؛ لذا صحیح‌تر آن است که عین واژگان قرآنی استعمال شود. در ترجمه آیه فوق، هر چهار مترجم ترجیح داده‌اند به جای ترجمه فعل «كَفَرُوا» عین واژه زبان مبدأ را به کار ببرند تا بدین وسیله معنای کلمه به‌طور کامل به مخاطب القا شود.

❖ «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...» (آل عمران: ۹۷).

ط: ... و خدای راست بر مردمان حج خانه هرکی تواند بروست راه بردن...؛

اب: ... و خدای راست بر مردمان قصد خانه آن را که برگ باشد به او راه ...؛

ر: ... و خدای راست ور مردمان حج کعبه هرکه توانایی دارد ور اوست آن راه ...؛

ق: ... خدای را ور مردمان حج خانه کی. تواند بی آن راهی

«حج» در لغت، قصد کردن چیزی را گویند (ابن دُرید، ۱۹۸۷م، ص. ۸۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ص. ۲۹). در فرهنگ بزرگ جامع نوین کلمه «حج» به معنای آهنگ کردن و قصد طواف کردن کعبه به نیت عبادت ذکر شده است (سیاح، ۱۳۷۱، ص. ۲۳۳). در اصطلاح شرع، «حج» عبادت مخصوصی است که در زمان و مکان معین و

به شکل خاصی در جوار بیت‌الله الحرام به منظور اطاعت و تقرب به خدا انجام می‌شود (سعدی، ۱۴۰۸ ق، صص. ۶۷-۶۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ص. ۲۸۵). ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاح شرعی در اینجا است که شخص برای انجام اعمال مخصوصی قصد زیارت خانه خدا را می‌کند (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ص. ۳۲۴).

چنانکه پیداست این کلمه در اصل به معنای قصد بوده و سپس در قصد زیارت بیت اختصاص یافته، به طریق مخصوصی که شرع آن را بیان کرده است. در ترجمه‌های «ط»، «ر» و «ق» حج عیناً به کار رفته و به دنبال آن معنای مستطیع بودن به وضوح دریافت می‌شود. به بیان دیگر تخصیص معنایی صورت گرفته است؛ اما در ترجمه «اب» حج در معنای اصلی آن یعنی «قصد» به کار رفته و به دنبال آن توانایی و استطاعت داشتن به روانی و خوش فهمی سه ترجمه دیگر نیامده است.

۲-۴- مقولات اساسی در معادل‌یابی نحوی

از آنجاکه در ترجمه‌های بین خطی بررسی شده، بنا بر ترجمه تحت‌اللفظی بوده است، ساختار نحوی ترجمه بیشتر به ساختار نحوی عربی نزدیک است تا به ساختار نحوی فارسی. ما این الگوگیری نحوی را در سه مبحث بررسی کرده‌ایم که در زیر با ارائه نمونه‌ها به بحث درباره آنها خواهیم پرداخت.

۲-۴-۱- سازه‌های مصدری

در زبان عربی ساختار جمله اسمیه (بدون فعل) غالب است. این در حالی است که «در زبان فارسی نهاد و گزاره دو نقش یا رابطه دستوری عمده جمله هستند که در جایگاه نهاد، همواره گروه اسمی و در جایگاه گزاره، گروه فعلی به کار می‌رود. و مصدر همچون یک اسم عمل می‌کند» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۶، ص. ۹۵). به بیان دیگر، «در زبان فارسی فعل عنصر الزامی در ساختار جمله است» (باطنی، ۱۳۴۸، ص. ۷۵) و از مصدر به جای فعل کمتر استفاده می‌شود. با این توضیح «تمام جمله‌های اسمیه مصدری عربی در فارسی باید به فعل اصلی یا صفت و فعل ربطی برگردانده شود. غفلت مترجمان از این نکته ترجمه‌هایی به دست می‌دهد که از لحاظ دستوری و

ساختار نحوی خوشایند فارسی‌زبانان نیست» (طیب، ۱۳۸۳، ص. ۶۵). اکنون به چند مورد در چهار ترجمه مذکور اشاره می‌شود:

❖ «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (توبه: ۱۰۷).

ط: و آن کس‌ها که گرفتند مسجدی زیان‌کاری را و کافری و فرقت را میان گرویدگان و راه گرفتن را آنرا که حرب کند با خدای و پیغامبر او...؛

اب: و آنان که گرفتند مسجد به زیانی و کافری و جدا کردن میان مؤمنان و نگهداشتن راه برای آنان که کارزار کنند با خدای و رسولش...؛

ر: و آن کس‌ها که کردند بنا مسجدی را ضرار و کفری و پیراکنندگی میان مؤمنان و نگاه داشتند راه آن کسی که مخالفت کرد خدای را و رسول او را...؛

ق: ایشان گرفتند مسجدی دشخواری نمودن را و کافری را و جدا کردن را میان مؤمنان و رگدار بودن کرا محارب شد خدای را و پیغامبر اویرا... .

در آیه یادشده، چهار سازه مصدری به چشم می‌خورد که مترجمان «ط»، «اب» و «ق» در ترجمه هر چهار مورد در دام تقلید محض از ساختار مصدری فرومانده‌اند. مترجم «ر» در ترجمه سه مصدر (ضراراً، کفراً و تفریقاً) گرفتار ترجمه مصدر به مصدر شده، ولی در ترجمه مصدر چهارم (ارصاداً) مطابق مقتضیات زبان فارسی آن را به فعل برگردانده است. مترجم «ق» در ترجمه «ارصاداً» معادل «ورگدار بودن» را به کار برده است؛ این نوع کاربرد با تأثیرپذیری از گونه جنوبی زبان فارسی و گویش سیستانی صورت پذیرفته است، چراکه در ریشه‌یابی این معادل دریافتیم که «ور» var در گویش سکزی (سیستانی) معانی متعددی دارد از آن جمله، پیشوندی است که چون برسرکلمات بیاید معنای «بر و فراز» می‌دهد (محمّدی خمک، ۱۳۷۹، ص. ۴۱۰). «گدار» godâr اسم است و به معنی کُتل و سربالایی کوه است و «ورگدار بودن» به معنی «برفراز کوه بودن» و «راه‌بانی» معنی می‌شود (محمّدی خمک، ۱۳۷۹، ص. ۳۳۷).

۱. مثال دیگر برای این پیشوند «ورپاشیده» vārpāšidā است یعنی چیزی مثل گندم و چون آن را به هوا پاشیدن و به قول خراسانی‌ها، پیشینگ کردن (محمّدی خمک، ۱۳۷۹، ص. ۴۱۰).

چنانکه پیدا است ترجمه قرآن قدس منبعی سرشار برای شناخت و مطالعه گونه‌های جنوبی زبان فارسی خاصه گویش سیستانی به شمار می‌رود و هرچند درباره خاستگاه مترجم نمی‌توان نظر قطعی داد، اما دکتر رواقی، مترجم یا مترجمان آن را از مردم منطقه کرمان و سیستان حدس می‌زند (رواقی، ۱۳۶۴، صص. ۳۵ - ۳۲).

نمونه دیگر آیه ۱۲۰ سوره توبه است:

❖ ...ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... (توبه: ۱۲۰).

ط: ...آن بدان که ایشان نه رسد بدیشان تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی اندر راه خدای عزوجل...؛

اب: ...این به آن است که تانرسد به ایشان تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی در راه خدای...؛

ر: ...آن بدانست که ایشانرا نرسیدشان تشنگی و نه گرسنگی و نه رنجی در طاعت خدای تعالی...؛

ق: ...آن بدان ایشان نرسد بدیشان تشنه‌ی ونی رنجه‌ی و نی گرسه‌ای در راه خدای... .

در این بخش از آیه چنانکه ملاحظه می‌شود سه مصدر (ظَمَأٌ، نَصَبٌ و مَخْمَصَةٌ) به چشم می‌خورد. تفاوت‌های لهجه‌ای و گویشی در ترجمه «ق» نسبت به سایر ترجمه‌ها مشهود است. با بررسی در ترجمه آیات متعدد قرآن قدس ملاحظه می‌شود همه‌جا «گی» حاصل مصدر به صورت «ی» ضبط شده است:

- تازه‌ی: تازگی ← (انسان: ۱۱، مطففین: ۱۴)؛
- تشنه‌ی: تشنگی ← (توبه: ۱۲۰)؛
- جاودانه‌ای: جاودانگی ← (ق: ۳۴)؛
- گرسه‌ی: گرسنگی، گرسگی ← (مائده: ۳، توبه: ۱۲۰)؛

۱. رواقی در مقدمه قرآن قدس در صص. ۳۸ - ۳۷ واژه «گرسه» را در شمار واژه‌هایی ذکر کرده است که ریشه در فارسی میانه دارند و دست‌یاب شده‌اند اما شاهد و مثالی در واژه‌نامه‌های فارسی میانه در دسترس از آن موجود نیست و تنها در ترجمه قرآن قدس به‌کار رفته است (طه: ۱۱۸، نحل: ۱۱)

• دشمنای: دشمنی، دشمنیگی ← (آل عمران: ۱۱۸، مائده: ۶۴).

۴-۲-۲- ساخت‌های مجهولی

تأمل در آثار فصیح پیشینیان، گرایش زبان فارسی را به فعل معلوم نشان می‌دهد از آن جمله در ترجمه آیات قرآن کریم، مترجمان با وجود تقید و پابندی شدید به متن زبان مبدأ، در بسیاری جمله‌ها فعل مجهول را به اقتضای طبیعت زبان فارسی به فعل معلوم برگردانده‌اند. این در حالی است که کاربرد ساخت‌های مجهول در زبان عربی بسامد نسبتاً بالایی دارد؛ اما مواردی هم هست که مترجمان چهار اثر در دام ساخت نحوی زبان مبدأ گرفتار آمده‌اند و ساخت مجهول عربی را به ساخت مجهول فارسی ترجمه کرده‌اند که ناهنجاری‌هایی را به همراه داشته است. به نمونه‌هایی از این مورد در چهار ترجمه مذکور می‌پردازیم:

❖ غُلِبَتِ الرُّومُ (روم: ۲)

ط: غلبه کرده شدند رومیان؛

اب: که غلبه کردند رومیان را؛

ر: غلبه کردند بر رومیان پارسیان؛

ق: غلبه کرده شدند رومیان.

چنانکه در ترجمه آیه فوق ملاحظه می‌شود، مترجمان «ط» و «ق» ساختار مجهول را بر معلوم ترجیح داده‌اند. ترجمه‌های «اب» و «ر» با مقتضیات زبان فارسی همخوانی بیشتری دارند هرچند ترجمه «ر» به دلیل افزوده تفسیری (پارسیان) برای مخاطب خوش‌فهم‌تر و خوشایندتر است. در هر چهار ترجمه، تقدیم فعل مجهول بر نایب فاعل و نیز فعل معلوم بر مفعول و متمم ملاحظه می‌شود.^۱ چنانکه پیداست مترجمان

۱. نمونه‌هایی از تقدیم فعل مجهول بر نایب فاعل و نیز فعل معلوم بر مفعول و متمم در ترجمه تفسیر طبری یافت شد از آن جمله:

- و مَهر کرده شد دلهای ایشان، وایشان نه اندر یابند (ج ۳: ص ۶۲۳)؛

- ساخت خدای عز وجل ایشان را بهشتها (ج ۳: ص ۶۲۳)؛

- پس بگرفتیم ایشان را (ج ۳: ص ۸۱۳).

هر چهار ترجمه به علت تقید و امانت‌داری افراطی بیشتر درصدد همانندسازی از ساختار نحوی زبان مبدأ در زبان مقصد بوده‌اند و لذا اختلاف دستوری و نحوی دو زبان را نادیده گرفته‌اند و بدین ترتیب تلاش زیادی برای رعایت مقتضیات دستور زبان مقصد صورت نگرفته است. نمونه دیگر آیه ۴۱ سورة الرحمن است:

❖ «يُعْرِفُ الْمَجْرَمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ» (الرحمن: ۴۱).

ط: بشناخته شوند گناهکاران بنشانهای ایشان، و گرفته شوند بموی پیشانیهای ایشان و پایهاشان؛

اب: بشناسند مجرمان به نشانشان فراگیرند به موی پیشانی و پایها؛

ر: بشناسند مشرکان را به سیمای رویشان بگیرندشان به مویهاشان و به پی پایها؛

ق: اشنخته شند گناهکاران به نشان ایشان گرفته شهد به پنکها و قدمها.

چنانکه ملاحظه می‌شود در ترجمه‌های «ط» و «ق» مترجمان در دام همانندسازی ساختار مجهولی فرومانده‌اند درحالی‌که مترجمان «اب» و «ر» به دنبال یافتن معادل مناسب برای ساخت مجهول در زبان فارسی بوده‌اند. در ترجمه «ط» بای تأکید قبل از فعل مجهول و مضارع «بشناخته شوند» به چشم می‌خورد در ترجمه «ق» معادل «اشنخته شند» در ترجمه به کار رفته که شکل دیگری از «شناخته شوند» است و در آن تغییرات واجی رخ داده است. با بررسی در ترجمه قرآن قدس برخی کاربردهای فعلی ویژه مصدر «شدن» در این ترجمه مشاهده می‌شود:

- اذْهَبْ: بشه (طه: ۴۲)؛
- تَصِيرُ: شهد (شوری: ۵۳)؛
- تَذْهَبْ: نشهد (انفال: ۴۶).

همچنین در ترجمه «ق» معادل واژه «النَّوَاصِي»، «پنکها» گذاشته شده است، در واژه‌نامه سکزی «پنک» penak، اسم است به معنای پیشانی که به آن «پینک» هم گفته می‌شود (محمدی خمک، ۱۳۷۹، صص. ۱۰۵ و ۹۸). وجود این شباهت‌های واژگانی بیانگر آن است که ترجمه قرآن قدس رگه‌هایی از گویش محلی و منطقه‌ای (سیستانی) را دارد.

۴-۲-۳- مفعول مطلق و انواع آن

مفعول مطلق یکی از عناصر و حالات دستوری است که در مطالعات ترجمه و در حوزه زبانی قرآن کریم از دید زبان‌شناختی به‌ویژه زبان‌شناسی تطبیقی جای بحث دارد. هرچند اکثریت قریب به اتفاق دستور نویسندگان زبان فارسی کاربرد مفعول مطلق را متأثر از نحو زبان عربی می‌دانند، «اما نمونه‌ها و شواهد به‌دست‌آمده از متون باستانی زبان‌های ایرانی گویای آن است که مفعول مطلق از لحاظ تاریخی، آوردن مشتقی از فعل جمله برای تأکید معنی آن می‌باشد که از یک سو شباهت نقش نحوی آن با مفعول مطلق در زبان عربی و از سوی دیگر عدم آگاهی از سابقه تاریخی کاربرد آن در زبان‌های ایرانی سبب شده تا دستور نویسندگان تصور کنند که این حالت در زبان فارسی تحت تأثیر زبان عربی پدید آمده است» (مولائی، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۰).

حال در چهار ترجمه مذکور نمونه‌هایی از ترجمه مفعول مطلق بررسی می‌شود:

❖ «فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا» (کهف: ۹۹).

ط: گرد آریم شان همه بهم؛

اب: گردآریم ایشان را گردآوردنی؛

ر: گردکنیم شان گردکردنی؛

ق: بهم کنیم ایشان را بهم کردنی.

در این آیه «جمعاً» مفعول مطلق است و کیفیت گردآوردن را بیان می‌کند. در ترجمه‌های «اب»، «ر» و «ق»، مترجمان با آوردن مشتقی از فعل جمله برای تأکید بر معنی آن، مفعول مطلق «جمعاً» را مطابق با مقتضیات زبان مقصد ترجمه کرده‌اند، اما در ترجمه «ط» مترجم معادل ساختاری دقیقی از مفعول مطلق ارائه نکرده و از عرف زبان مقصد فاصله گرفته است. نمونه دیگر آن در ترجمه تفسیر طبری عبارت است از: آن روز که حشر کنیم ایشان را همه (ج ۳، ص ۶۷۱).

❖ «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ» (فجر: ۲۵).

ط: و آن روز نه عذاب کند عذاب او کسی؛

اب: آن روز نکند عذاب او کس را؛

ر: آن روز نکنند عذاب چون عذاب کردن وی هیچ کس را؛
ق: آن روز عذاب کرده نشهد چون عذاب اوی یکی.

چنانکه ملاحظه می‌شود در این آیه «عذاب» مفعول مطلق نوعی است. در بررسی الگوهای صرفی دو زبان عربی و فارسی مشخص می‌شود که «عذاب» در زبان عربی، مصدر است، اما در زبان فارسی به‌عنوان «اسم معنا» یا «اسم مصدر» شناخته می‌شود و برای معادل آن معمولاً از مصدر کمکی استفاده می‌شود؛ لذا «در ترجمه این نوع مفعول مطلق به‌جای «عذاب» از معادل صرفی و دقیق آن یعنی «عذاب کردن» استفاده می‌شود. معادل این مفعول مطلق در این آیه، قید تشبیه است» (قلی‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۰) که در ترجمه «اب» کاملاً نادیده انگاشته شده است. ترجمه «ط» مبهم است و دریافت درستی از معنای آیه به دست نمی‌دهد.

در ترجمه‌های «ر» و «ق» قید تشبیه به کار رفته منتهی در ترجمه «ق» به‌جای مصدر «عذاب کردن» اسم معنای «عذاب» به چشم می‌خورد. ترجمه «ر» از این نظر پایبندی بیشتری دارد و توانسته با کاربرد قید تشبیه و مصدر کامل «عذاب کردن» تعادل ساختاری و معنایی را تا حد زیادی برقرار کند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

ترجمه بین خطی نوعی ترجمه افراطی لفظ به لفظ و فاقد خلاقیت زبانی است و حکم لغت معنی را دارد. باین‌همه، به دلیل انتقال نوآوری‌های زبانی به زبان مقصد و پربارتر کردن آن خالی از فایده نیست که به نمونه‌هایی از آن در این مقاله اشاره کردیم. با واکاوی مقایسه‌ای و زبان‌شناختی چهار ترجمه بین خطی کهن قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری در دو حوزه «واژگان» و «نحو» نتایج زیر به دست می‌آید:

در حوزه معادل‌یابی واژگانی در کاربرد واژگان معادل، جستجوی مترجمان ترجمه رسمی (طبری) و قرآن قدس در یافتن معادل‌های اصیل فارسی برای واژه‌های قرآنی چشمگیر است هرچند وجود برابر نهاده‌ای محلی (گونه جنوبی زبان فارسی) در ترجمه قرآن قدس با وجود ارزشمند بودن، برای گویشوران و مخاطبان سایر گونه‌های زبانی و

حوزه‌های جغرافیایی زبان فارسی باعث دیرفهمی شده است. تأثیرپذیری از زبان مبدأ و کاربرد واژگان دخیل در ترجمه‌های تفسیر ابوالفتوح رازی و ری بیشتر مشهود است به نحوی که وجود واژگان متداول‌تر و رایج‌تر در این ترجمه‌ها به ارتباط مؤثرتری با مخاطب انجامیده است. در بحث واژگان بی‌معادل (خلأ واژگانی) چهار ترجمه به متن مبدأ پایبند بوده‌اند و عین واژه را در زبان مقصد آورده‌اند که به نظر می‌رسد با این رویکرد از ایجاد وقفه در قرائت و برهم خوردن تمرکز خواننده ممانعت کرده‌اند.

در حوزه معادل‌یابی نحوی، در ترجمه سازه‌های مصدری، مترجمان از ساخت مصدری زبان مبدأ تقلید کرده و عرف دستور زبان مقصد را رعایت نکرده‌اند. در ترجمه ساخت‌های مجهولی، تأثیرپذیری مترجمان «طبری» و «قدس» از اقتضائات نحوی زبان مبدأ مشهود است، اما به نظر می‌رسد ترجمه‌های تفسیر ابوالفتوح رازی و ری با مقتضیات زبان فارسی همخوانی بیشتری دارد. همچنین معادل مفعول مطلق در ترجمه‌های مذکور بیشتر بر اساس تشابه ساختاری است و نه تعادل ساختاری؛ که این‌گونه ترجمه از معیارهای نحوی غالب زبان فارسی فاصله دارد. باین‌همه ترجمه‌های بین خطی در بازه زمانی فوق دارای خلأقیتهای واژگانی و نحوی است و تا حد زیادی استقلال متنی دارد.

کتاب‌نامه

- آذرنوش، آ. (۱۳۷۵). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی (از آغاز تا عصر صفوی). تهران، ایران: سروش.
- آهنگر، ع.، یوسفیان، پ. و کدخدا، ح. (۱۳۹۵). توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی - نارویی و میانکنگی. زبان‌شناسی اجتماعی، ۱(۱)، ۲۱-۳۶.
- باطنی، م. (۱۳۴۸). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران، ایران: امیرکبیر.
- باقری، م. (۱۳۸۰). واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی. تهران، ایران: قطره.
- بهار، م. (۱۳۴۵). واژه‌نامه بندهش. تهران، ایران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بهار، م. (۱۳۵۱). واژه‌نامه گزیده‌های زاد اسپرم. تهران، ایران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، ا. (۱۳۴۸). واژه‌نامه مینوی خرد. تهران، ایران: بنیاد فرهنگ ایران.

- خرمشاهی، ب. (۱۳۷۲). *قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)*. تهران، ایران: مرکز نشر فرهنگی مشرق.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۸۳). ترجمه ادبی از منظر زبان و فرهنگ مقصد. مترجم، ۳۹، ۳-۷.
- خطیب، الف. (۱۳۶۳). *ترجمه قرآن ری*. تهران، ایران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.
- درویش، م. (۱۴۱۵ ق.). *إعراب القرآن الکریم و بیانه {تفسیر قرآن کریم و بیان آن}*. دمشق، سوریه: دارالإرشاد.
- دعاس، ح. (۱۴۲۵ ق.). *إعراب القرآن الکریم {تفسیر قرآن کریم}*. دمشق، سوریه: دارالمنیره و دارالفارابی.
- رازی، الف. (۱۳۷۷). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* (به کوشش و تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح). مشهد، ایران: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- رضایی اصفهانی، م. (۱۳۸۳). روش‌ها و سبک‌های ترجمه قرآن. ترجمان وحی، ۱۵، ۳۳-۶۱.
- سعدی شیرازی، م. (۱۳۶۸). *گلستان سعدی* (به کوشش خلیل خطیب رهبر). تهران، ایران: صفی‌علیشاه.
- طبرسی، ف. (۱۳۷۹ ق.). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن {تفسیر مجمع البیان}*. بیروت، لبنان: داراحیاء التراث العربی.
- طبری، م. (۱۳۳۹). ترجمه تفسیر طبری (به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی). تهران، ایران: توس.
- طبری، م. (۱۳۵۲ ش.). *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک* (ا. پاینده، مترجم). تهران، ایران: اساطیر.
- طیب، م. (۱۳۸۳). نگاهی به سه ترجمه نهج البلاغه از دیدگاه زبان‌شناسی. مترجم، ۳۹، ۵۷-۷۱.
- فرح‌زاد، ف. (۱۳۸۳). ترجمه‌شناسی مکتب لایپزیک. *زبان و ادب پارسی*، ۱۷(۲۰)، ۲۲۹-۲۳۶.
- فروه‌وشی، ب. (۱۳۵۲). *فرهنگ زبان پهلوی*. تهران، ایران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قلی‌زاده، ح. (۱۳۷۹). مفعول مطلق و معادل ساختاری آن براساس ساختار زبانی قرآن کریم. *مجله بنیات*، ۷(۲۶)، ۹۰-۱۰۷.
- کریمی نیا، م. (۱۳۸۹). *ساختهای زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن*. تهران، ایران: هرمس.
- لوئیس، ب. (۱۳۸۲). *از بابل تا دیلماج تا مترجم امروزی* (ح. کامشاد، مترجم). *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، ۶۷، ۳۸-۴۹.
- محمدی خُمک، ج. (۱۳۷۹). *واژه‌نامه سکزی (فرهنگ لغات سیستانی)*. تهران، ایران: سروش.
- مشکوٰه الدینی، م. (۱۳۸۶). *دستور زبان فارسی*. تهران، ایران: سمت.

- مولائی، چ. (۱۳۸۱). مفعول مطلق در زبان فارسی (تحقیقی در حاشیه دستور تاریخی). *زبان و ادب فارسی*، ۴۵ (۱۸۵)، ۹۵-۱۰۲.
- میرحاجی، ح. ر.، مرامی، ج. و امانی، ر. (۱۳۹۰). کاربردشناسی اصل تعادل ترجمه‌ای واژگان. *ادب عربی*، ۲، ۱۳۷-۱۶۳.
- وهمن، ف. (۱۳۵۵). *واژه‌نامه ارتای ویراز نامک*. تهران، ایران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- یاحقی، م. (۱۳۷۷). *فرهنگ‌نامه قرآنی*. مشهد، ایران: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

- Ali, A., Brakhw, M. A., Nordin, M. Z. F. B., & Ismail, S. F. S. (2012). Some linguistic difficulties in translating the Holy Quran from Arabic into English. *International Journal of Social Science and Humanity*, 2(6), 588-590.
- Elimin, S.A. A. (2009). *Clause- level foregrounding in the translation of the Quran into English: Patterns and motivations*. (Unpublished doctoral dissertation), Manchester university, Manchester, England.
- Mackenzie, D. N. (1971). *A concise Pahlavi dictionary*. London, England: Oxford university press.
- Winter, T. N. (1974). *Review of new world Bible translation committee's the kingdom interlinear translation of the Greek scriptures*. Retrieved from <https://digitalcommons.unl.edu/cgi/viewcontent.cgi?referer=https://www.google.com/&httpsredir=1&article=1026&context=classicsfacpub>
- Saifiddin, N. (2008). *Фарҳанги тафсирии забони тоҷикӣ* [Interpretive dictionary of the Tajik language]. Dushanbe, Tajikistan: Rudaki Institute of Language and Literature.
- Fakhriddin, N (2012). *Тарҷумаи форсии Қуръони карим ва тафсири он дар қарнҳои 10 То 12, Хуҷанд* [Persian translation of the Holy Quran and its interpretation in the 10th to 12th centuries]. Khujand, Tajikistan: Khujand State University.
- Muhammadjon, S. (1969). *Фарҳанги забони тоҷикӣ* [Tajik language dictionary]. Moscow, Russia: Academy of Sciences of the Republic of Tajikistan.

درباره نویسندگان

سودابه قندهاری دانش‌آموخته مقطع دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات تطبیقی) دانشگاه فردوسی مشهد است. حوزه پژوهشی وی زبان‌شناسی و ترجمه است.

محمدجواد مهدوی استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد است. پژوهش‌های ایشان بیشتر در حوزه ترجمه و دستور زبان فارسی است.

علی خزاعی فرید دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد است. حوزه تخصصی پژوهش‌های ایشان بیشتر در زمینه مطالعات ترجمه و زبان‌شناسی است.

محمدجعفر یاحقی استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد است. پژوهش‌های ایشان بیشتر در حوزه تصحیح نسخ خطی، شاهنامه‌پژوهی و قرآن‌پژوهی است.